



شرط اول، تغییر نگرش

الزامات نظام‌سازی درگفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین علی‌رضا پیروزمند
قائم‌مقام فرهنگستان علوم اسلامی



علیرضا پیروزمند، قائم مقام فرهنگستان علوم اسلامی و مسئول گروه اصول فقه احکام حکومتی این مرکز، حوزه را هنوز در ابتدای راه تحول و نقش‌آفرینی در نظام‌سازی می‌داند و بر تغییر نگرش‌ها تأکید دارد. او علاوه بر مسائل بنیادین فلسفه‌های مضاف، ضمن همکاری‌های گسترده با مراکز پژوهشی مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای عالی انقلاب فرهنگی، در موضوعات راهبردی نظام اسلامی نظیر رابطه دین و دولت، طبقه‌بندی موضوعات فرهنگی، الگوی مهندسی فرهنگی، الگوی اسلامی‌ایرانی پیشرفت، جنبش نرم‌افزاری، تحول علمی، چشم‌انداز تحول حوزه و... نیز ورود داشته است. تحلیل موضوعات برنامه حوزه، رابطه منطقی دین و علوم کاربردی، روش تولید تعاریف کاربردی، مبانی و راهکارهای اسلامی شدن دانشگاه و نظام معقول، از جمله آثار علیرضا پیروزمند است. با او از الزامات نظام‌سازی در حوزه‌های علمیه سخن گفته‌ایم...

همین مسیر باشد. به همین دلیل و برای نیل به اهداف انقلاب، نظام‌سازی اسلامی به دغدغه‌ای مهم تبدیل شده و از آن‌جاکه حوزه علمیه نهاد مرجع در اسلام‌شناسی است، طبیعتاً از آن انتظار نقشی فعال در این عرصه می‌رود.

آیا روش‌های اجتهادی و بنیان‌های فقهی ما توان نظام‌سازی را دارد و با همان روش اجتهادی گذشته می‌توانیم به این کار بپردازیم؟

فقه شیعه پس از انقلاب اسلامی وارد میدان جدیدی شد و گامی به جلو برداشته است؛ اما گام‌های دیگری هم باید بردارد. آن گام روبه‌جلو یا پیشینه حوزه، حداقل تا قبل از مشروطه، متفاوت است؛ حوزه و روحانیت از زمان مشروطه به صورت جدی وارد عرصه سیاست شدند و به صورت جدی‌تری فعالیت کردند که اوج آن در انقلاب اسلامی بود.

تحول جدیدی که اتفاق افتاد، سؤالات جدیدی بود که برای مؤمنان مطرح شد؛ اما نه از باب تکالیف و وظایف فردی، بلکه وظایف و تکالیف اجتماعی. این مواجهه باعث حرکت روبه‌جلوی فقه ما و بلوغ بیشتر آن شد. لذا مقولات اقتصادی مثل بانک، بیمه، تعاونی یا مسائل سیاسی مثل دموکراسی یا بحث‌هایی در باب رسانه، امنیت و مانند آن مورد توجه قرار گرفت و فقه در آن ورود پیدا کردند. اما ضمن احترام و

اعتبار فقه گذشته، نباید تصور کنیم که پاسخ فقه‌های معظم به این مسائل و تفقه موجود برای نظام‌سازی اسلامی کافی است. چون هنوز موضوع تفقه را در ورود فقه به عرصه نظام‌سازی به خوبی دریافت نکرده‌ایم و هنوز روش گذشته و همان دریچه نگرشی گذشته را داریم.

استنباط‌های فقهی و پاسخ‌گویی به مسائلی که جنس آن‌ها با مسائل فردی متفاوت است، محاسبات فقهی متفاوتی را می‌طلبد که دستگاه فقهات ما با آن مأنوس نیست. البته انتظارات را در حد پاسخ‌گویی به مسائل مستحدثه برآورده می‌کند که این خود، نقطه مثبت و مزیتی برای فقهات شیعه است؛ اما این میزان از پاسخ، کافی و جوابگو نیست و باید درک کامل‌تری از موضوع حکومت و اجتماع اتفاق افتد.

ابعاد تأثیرگذاری این موضوعات به یک‌جنبه محدود نمی‌شود؛ وقتی درباره مسئله بانک فتوا می‌دهید، موضوع فقط در عقد فرد با یک مرکز اقتصادی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه بستری است برای گردش اعتبارات که کل اقتصاد را به شکلی خاص هدایت می‌کند و در ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی هم تأثیر می‌گذارد. چه‌بسا برای بیان حکم فقهی بانک، مطالعه تأثیرات اجتماعی این پدیده هم لازم باشد؛ هرچند به عنوان یک احتمال. بنابراین مقیاس موضوع‌شناسی، متفاوت از موضوع‌شناسی بسط گذشته است و توجه به این تفاوت،

پیوند می‌خورد و قدرت تصرف انسان را بیشتر می‌کند تا نیازها را کامل‌تر پاسخ دهد. هرچه تاریخ بشر رو به جلو آمده، نظام‌سازی و جامعه‌سازی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است؛ به‌گونه‌ای که امروز مرزهای جغرافیایی در حال برداشته شدن است و بشر در اندیشه جهانی‌سازی به‌سرمی‌برد و نظام‌سازی را در مقیاس جهانی تعقیب می‌کند. دلیل آن هم نیازهای روبه‌فزونی انسان و محدودیت مقدرات است که نظام‌سازی در مقیاس بزرگ‌تر را الزام‌آور کرده است.

انقلاب اسلامی این پیام را برای دنیای اسلام به ارمغان آورده که نظام‌سازی باید مبتنی بر فرهنگ اسلامی اتفاق بیفتد؛ یعنی نیازهای جامعه باید کمال‌بخش انسان و جامعه، و سازوکارهای کمال نیز متناسب با

اگر موافق باشید ابتدا به بررسی مراد شما از نظام‌سازی بپردازیم...

«نظام» یک کل به هم پیوسته از انسان‌ها، مقدرات، ارتباطات و ابزارهاست که از طریق پیوند آن‌ها با هم، توانی ایجاد می‌شود که می‌تواند نیاز مجموعه‌ای از انسان‌ها را برآورد. بنابراین نظام انسانی به منظور افزایش بهره‌وری انسان شکل می‌گیرد. انسان به دلیل کمال‌جویی و میل به تسریع در مراتب کمال، تن به نظام‌سازی می‌دهد و از طریق ترکیب افراد و مقدرات، سعی می‌کند برای پاسخ به نیازهایش توان‌افزایی کند. طبیعتاً محوری‌ترین نیاز انسان، نیاز به پیشرفت است که در فرهنگ اسلامی متناسب با تکامل انسانی تعریف می‌شود.

در نظام‌سازی، ساختارهای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی به هم